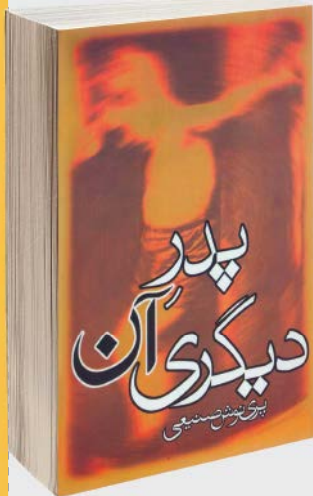
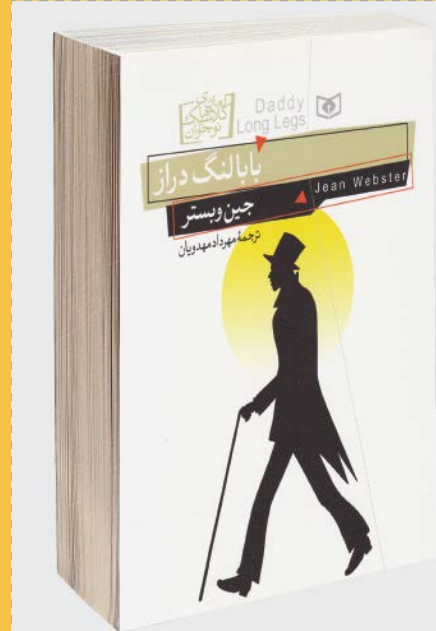


فیلمش مشهورتر از کتابش



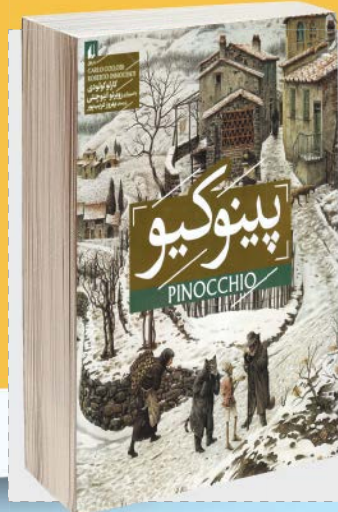
پرنیوش صنیعی را شاید نتوان نویسنده مشهوری دانست ولی رمان «پدر آن دیگری» به واسطه فیلمی که مرحوم پدر... صمدی از روی آن اقتباس کرده اثر مشهوری است. قصه کتاب حول شخصیت یک پسر بچه می‌گذرد که کمتر در کانون توجه خانواده به خصوص پدرش قرار می‌گیرد و به همین دلیل او را به شخصیتی گوشه‌گیر و منزوی تبدیل کرده است. مرور جزئی رفتار اعضای خانواده در قبال او مهم‌ترین نکته‌ای است که در این کتاب خود را نشان می‌دهد و هر خواننده‌ای را به مرور رفتار خود با دیگران دعوت می‌کند. هرچند این نکات در فیلمی که صمدی ساخته بازتاب بهتری دارد و در کتاب باید از لابه‌لای کلمات خانم صنیعی آنها را به دشواری بیرون کشید. شاید باید پدر آن دیگری را یک داستان تربیتی نامید که صنیعی دست روی آن گذاشته تا خواننده را به آن توجه دهد. صنیعی در داستانش یک خانواده پنج نفره را ترسیم می‌کند. خانواده‌ای که دو پسر و یک دختر دارند که یکی از دو پسر بیشتر مورد توجه است و همین مساله، زمینه شکاف و دور شدن پسر کوچک‌تر را از خانواده فراهم می‌کند. صنیعی به خوبی اهمیت توجه به تک‌تک فرزندان را نشان می‌دهد و با داستانش تاکید می‌کند که مفهوم خانواده در وجود تک‌تک افراد معنا پیدا می‌کند. صنیعی در این اثر به رفتار پدر خانواده در ایجاد این شکاف تاکید می‌کند و به خوبی آن را در داستانش بازتاب می‌دهد.



در ابتدا به صورت کتابی به صورت کتابی آمده‌نگاری است از می‌شود و جهان ن بابا لنگ‌دراز از

ت نگهداری ایتم ب کرد. فیلم‌ها و وفند که گاهی از با شخصیت یک می‌کند، در این خواننده در مقاطع

پدر ژیتو



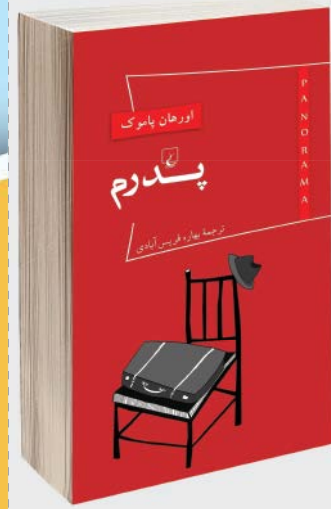
بدون اغراق اگر بخواهم و بنویسم باید بگویم همه ما هم پینوکیو را می‌شناسیم و هم با پدر ژیتو آشنایی داریم. استاد نجاری که فکر نمی‌کرد یک روزی عروسک دست‌سازش تبدیل به یک موجود زنده شود و او به آن دلبستگی پیدا کند. درباره پدر ژیتو تفسیرهای بسیاری نوشته‌اند و از منظرهای مختلفی تفسیرش کرده‌اند. ولی هر چه هست تصویر یک پدر دوست‌داشتنی است که در این مجموعه داستان‌ها به نمایش درآمده است. پینوکیو اغلب حرف پدر ژیتو را گوش نمی‌کند و بعد پشیمان می‌شود. داستان‌های پندآموز کارلو کلودی که در قامت پینوکیو شکل گرفته نسل‌های بسیاری را با خود همراه کرده و عبرت‌های بسیاری برای مخاطبان خود داشته است.



مع این است که سایر وجهه پدر دیده و روایت نمی‌شود استان یکی از جوامعی است که روحیه پرسالاری در آن ش سعی می‌کند این تصویر را به خواننده نشان دهد. یت زندگی یک روز یک خانواده است که در آن پدر نقش و عادات و آداب زندگی او را می‌بینیم و با جهان ذهنی او مواجه شده و دغدغه‌های او و اختلافی که میان پدر و خواننده‌ای را جذب می‌کند زیرا گاهی تلخ و گاهی شیرین نه متوجه می‌شویم که پدر داستان فوت کرده و شرایط وبی راوی نقش پدر در خانواده و استحکام آن است.

نوبلیست از پدرش می‌گوید

اورهان پاموک، نویسنده ترک‌تباری است که برنده نوبل ادبیات شده و آثارش در میان مخاطبان فارسی‌زبان ترجمه شده و دارای محبوبیت است. «پدرم» نوعی زندگی‌نامه خودنوشت است. او در این اثر کوتاه بیشتر از پدر خودش حرف می‌زند. از پدری که در دوران کودکی اورهان، او و خانواده را ترک کرده است. پدری که با وجود کاری که کرده هنوز برای اورهان عزیز است. پاموک در این اثر تصویری کاملاً شرقی (همچون دیگر آثارش) از خود نشان می‌دهد که به پدر به عنوان یک جایگاه خدشه‌ناپذیر نگاه کرده با وجود این که پدرش رفتاری داشته که در زندگی آنها اثر گذاشته است. پاموک در اغلب آثارش دنبال نمایش این تصویر شرق است. تقابل میان شرق و غرب و نشان دادن ظرفیت‌های شرق به مخاطبش. او تاکید می‌کند که می‌توان با تکیه بر داشته‌ها با غرب رویارو شد و مغلوب نبود. این اثر که ساختار داستانی ندارد و بیشتر یک نادرستان بلند است روایت‌های پاموک از پدرش را در خود جاداده است. در این کتاب ما با پدری مواجهیم که خانواده را ترک کرده ولی پاموک (به عنوان پسر آن فرد) نقش او را در موفقیت‌های زندگی‌اش بازگو کرده و نشان می‌دهد که جایگاه پدرش برایش از چه اهمیتی برخوردار است. روایت‌های این کتاب در مقطعی تکان‌دهنده است و او با مرور خاطراتش ما را به جهان خودش که پدرش در آن نقش داشته نزدیک می‌کند.



شوخی با یک بابا

احمد اکبرپور و داستان طنز با هم همراه شده‌اند و اگر کسی این دو را از هم جدا ببیند تعجب می‌کند. او در رمان نوجوان «من نوکر بابا نیستم» (البته نوشتن برای نوجوان‌ها هم از آن اتفاقاتی است که با اکبرپور همنشین شده و نمی‌توان گفت خلاف عادت است) از همین زاویه به روایت آنچه بسیاری خشونت علیه کودکان می‌نامند، پرداخته است. قصه با تم طنز از جایی آغاز می‌شود که بسته پول پدر خانواده در یک روستایی در چاه مستراح می‌افتد و او یکی از پسرهای را که راوی داستان هم هست وادار می‌کند برای در آوردن آن بسته وارد چاه شود. این داستان که با زبانی طنز و کاریکاتورهایی مکمل متن منتشر شده راوی خشونت است که از سوی برخی بزرگ‌ترها با عناوین مختلف متوجه کودکان می‌شود. اکبرپور در این داستان قصد دارد خشونت را نشان دهد و برای این کار مراقب است که حدود یک خانواده را از بین نبرد بلکه می‌خواهد تلنگری بزند که چگونه ما ناخواسته مجری خشونت می‌شویم و لوا این که پدر یک خانواده باشیم. این کتاب را نشر افق منتشر کرده است.

